

Evaluation of People's Objections to the Violations of the 20-22 National Council Elections (1960-1967)

Case study: Kurdistan

Sirvan Khosrozade *

Abstract

Following the coup d'état of August 19, 1953, a period of stagnation and limitation reigned over the country's political space. Therefore, the promise of holding free elections by Mohammad Reza Shah on the threshold of the 20th Parliament elections in 1940 was considered an important turning point, and freedom seekers hoped to influence the country's political destiny through free elections. Volunteers started working in Sanandaj inspired by shah's promises. Based on the unpublished documents of the Islamic Parliament Library, this article tries to answer the question of how the quality of the Sanandaj elections was held in the 20th to 22nd periods of the National Assembly and how the election candidates reacted to the results.? The findings show that not only was the claim of free elections baseless, but also in Sanandaj, as in some parts of the country, the elections of the 20th parliament were the beginning of a new chapter of violations and illegal actions by the government, which in the following periods also continued. article also shows that as a result of the 20-22 parliamentary election violations, Ezzatullah Shadi Moghadam and Naser Yamin Mardokhi were strongly opposed to the results of the elections of these periods, and in a continuous but

* Phd of history of Islamic Iran Payame noor university and Independent Researcher. Tehran, Iran,
khosrozadesirwan@gmail.com

Date received: 2022/10/13, Date of acceptance: 2023/02/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

unsuccessful effort, tried to convince the shah and the government to change the result of the election.

Keywords: Pahlavi period, elections, Ezzatullah Shadi Moghadam, Naser Yamin Mardokhi, Sanandaj.



ارزیابی اعتراضات مردم به تخلفات انتخابات مجالس ۲۰-۲۲

شورای ملی (۱۳۳۹-۱۳۴۶)

مطالعه موردی: کردستان

سیروان خسروزاده*

چکیده

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوره‌ای از رکود و محدودیت بر فضای سیاسی کشور حکمفرما شد. از این رو وعده برگزاری انتخابات آزاد از سوی محمد رضاشاه در آستانه انتخابات مجلس بیستم در سال ۱۳۳۹ نقطه عطفی بااهمیت قلمداد می‌شود و آزادی‌خواهان امیدوار شدند از طریق انتخابات آزاد سرنوشت سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار دهند. در سندج نیز داوطلبان با الهام از مواعید شاه شروع به فعالیت کردند. مقاله حاضر با تکیه بر اسناد منتشر نشده کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که کیفیت برگزاری انتخابات سندج در دوره‌های ۲۰ تا ۲۲ مجلس شورای ملی چگونه بود و نامزدهای انتخاباتی چه واکنشی نسبت به نتایج آن از خود نشان دادند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نه تنها انتخابات آزاد ادعایی بی‌اساس بود، بلکه در سندج نیز همچون برخی نقاط کشور انتخابات مجلس بیستم سرآغاز فصل نوینی از تخلفات و اقدامات خلاف قانون از سوی حاکمیت بود که در دوره‌های بعد نیز ادامه داشت. مقاله همچنین نشان می‌دهد در نتیجه تخلفات انتخابات مجلس ۲۰-۲۲، عزت الله شادی مقدم، و ناصر یمین مردوخی شدیداً نسبت به نتیجه انتخابات این دوره‌ها معترض بودند و در تلاشی بی‌وقفه اما بی‌نتیجه سعی کردند شاه و دولت را نسبت به تغییر نتیجه انتخابات متقاعد سازند.

* دانش آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور و پژوهشگر مستقل، تهران، ایران،
khosrozadesirwan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: دوره پهلوی، انتخابات، عزت الله شادی مقدم، ناصر یمن مردوخی، سندج.

۱. مقدمه

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ممنوعیت فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی، فضایی از رکود ایجاد شد و آزادی بیان، قلم، مطبوعات، انتخابات و غیره محدود گردید. این وضع با تشکیل ساواک در اواخر سال ۱۳۳۵ به اوج رسید. تحولات بین‌المللی از جمله دورنمای قدرت گرفتن دمکرات‌ها در آمریکا که در اواخر سال ۱۳۳۹ منتج به روی کار آمدن جان اف کندی شد شاه را برای انجام اصلاحات سیاسی در ایران تحت فشار گذاشت. چنین بود که وی پس از سال‌ها خفقان وعده برگزاری انتخابات آزاد داد. بر این اساس طبیعتاً می‌بایست انتخابات مجلس بیستم و مجالس پس از آن متفاوت از انتخابات فرمایشی و سراسر تخلف ادوار گذشته باشد. برای یک ارزیابی دقیق و جامع از کیفیت انتخابات مجلس بیست تا بیست و دو بایستی کم و کیف و چگونگی روند این انتخابات را در حوزه‌های انتخابیه جای جای کشور بررسی کرد و تنها در این صورت می‌توان اظهارنظری جامع و قطعی ابراز داشت. بر همین اساس در یک مطالعه موردی پدیده تخلف در انتخابات شهرستان سندج از دوره بیستم (۱۳۳۹) تا انتخابات دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی (۱۳۴۶) مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع پژوهش حاضر یعنی انتخابات سندج در دوره زمانی مورد بحث تاکنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. ضرورت تحقیق در رفع فقدان اطلاعات مربوط به انتخابات سندج در دوره پهلوی و بویژه در ادوار مورد بحث می‌باشد. هدف تحقیق ارزیابی میزان و کیفیت تخلف در انتخابات دوران محمد رضاشاه پهلوی در سندج است. در همین راستا نوشتار حاضر با تکیه بر اسناد فهرست نشده انتخابات مجالس بیستم تا بیست و دوم مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه سندج تلاش دارد به بررسی تخلف‌های صورت گرفته در این ادوار بپردازد. سوال پژوهش این است که برگزاری انتخابات دوره‌های بیست تا بیست و دوم در سندج از چه ویژگی‌هایی برخوردار بود و نامزدهای انتخاباتی چه واکنشی به آن نشان دادند؟

۲. انتخابات مجلس بیستم

در آستانه انتخابات مجلس بیستم محمد رضاشاه پهلوی از طرفی بواسطه نگرانی از تحولات مربوط به انتخابات آمریکا و بویژه احتمال به قدرت رسیدن جان اف کندی، و از طرف دیگر بواسطه گسترش نارضایتی‌های داخلی، درصدد آرام کردن اوضاع برآمد. از اینرو بود که وی قبل از شروع انتخابات مجلس بیستم، در ۱۵ خرداد ۱۳۳۹ طی یک سخنرانی وعده داد انتخابات آینده کاملاً آزاد خواهد بود. بدین ترتیب تلویحاً اعتراف کرد که انتخابات دوره‌های گذشته آزاد نبوده است.

وعدۀ شاه در حالی بود که منوچهر اقبال نخست وزیر وقت اعلام کرده بود که مصدقی‌ها و توده‌ایها حق ندارند در این انتخابات کاندید شوند. در واقع در این زمان ریچارد نیکسون و جان اف کندی در کارزار انتخاباتی آمریکا مقابل هم قرار گرفته بودند. یکی از اتهاماتی که دمکرات‌ها علیه جمهوری خواهان مطرح کرده بودند حمایت آنان از دیکتاتورهای کشورهای توسعه نیافته از جمله ایران بود. (نجاتی، ۱۳۸۷: ۱۳۲) به نظر می‌رسد شاه از ترس پیروزی احتمالی کندی و از سر احتیاط بحث آزادی انتخابات را مطرح ساخته بود تا در صورت روی کار آمدن کندی تظاهر به تغییر رویه و در پیش گرفتن روند دمکراتیک کرده باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد اعلام وجود و ایفای نقش احزاب دولتی ملیون و مردم در این زمان هم تظاهری بی‌فایده برای دمکراتیک نشان دادن فضای سیاسی ایران شاید برای جلب رضایت کندی بوده باشد هرچند بشیریه معتقد است هدف شاه از تشکیل احزاب دولتی، کاستن از نفوذ اشراف و زمینداران در مجلس بوده است. بشیریه در توضیح نفوذ مورد بحث به آمار قابل توجهی استناد می‌کند؛ مثلاً اینکه اشراف زمیندار از سال ۱۳۲۰ تا آن زمان بطور متوسط ۵۶ درصد از کرسی‌های مجلس را در دست داشتند، بالغ بر ۸۰ درصد روستاهای کشور (۴۰ هزار روستا) در مالکیت آنان قرار داشت، و ۱۵ نفر از ۱۷ نخست وزیر دوران محمد رضاشاه تا سال ۱۳۴۰ از اشراف زمیندار بودند. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۰۳ و ۲۰۴) بدین ترتیب در آستانه انتخابات مجلس بیستم دو حزب ملیون و مردم برای کسب قدرت به تکاپو افتادند. ادعا شده دو حزب با تباری قبلی حوزه‌های انتخاباتی را میان خود تقسیم کرده بودند و حزب مردم در حالی به معرفی نامزد در برخی حوزه‌ها اقدام می‌کرد که قبلاً با حزب ملیون به توافق رسیده بود که پیروز انتخابات آن حوزه‌ها از حزب ملیون باشد. آشکار شدن موضوع تباری دو حزب مردم و ملیون بر سر سهمیه نهایی هر یک از آنان از نمایندگان مجلس بیستم و تعیین پیشاپیش و در عین حال محرمانه نمایندگان که مقرر بود از حوزه‌های انتخاباتی تعیین شده سر از صندوق رای درآورند موجب نارضایتی

شدید رودست خوردگان از دستگاه رهبری حزب مردم شد. علم وعده داد از این گروه ناراضیان عذرخواهی و دلجویی کند (شاهدی، ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۱۱) این وقایع در آستانه برگزاری انتخابات مجلس بیستم روی می داد.

۱.۲ انتخابات تابستانی و اعتراضات به آن

دوره نوزدهم مجلس در ۱۹ خرداد ۱۳۳۹ به پایان رسید و وزارت کشور در ۳۰ تیر دستور شروع انتخابات را صادر کرد. (مروارید، ۱۳۷۷: ۶۱۳) در خلال فطرت میان مجلس نوزدهم و بیستم مبارزات انتخاباتی میان سه گروه در جریان بود. این سه گروه عبارت بودند از حزب مردم به رهبری اسدالله علم با دویست نامزد انتخاباتی؛ دکتر منوچهر اقبال رهبر حزب ملیون با دویست نامزد انتخاباتی؛ و منفردین به رهبری کسانی چون دکتر علی امینی، سید جعفر بهبهانی، ارسلان خلعتبری، و فتح الله فرود که آمار مشخصی از شمار نامزدهای انتخاباتی شان در دست نیست. منوچهر اقبال رهبر حزب ملیون که در همان حال نخست وزیر هم بود در ۲۷ تیر ماه و در جریان یک کنفرانس انتخاباتی آمار نامزدهای حزب ملیون در سراسر کشور را اعلام کرد و کمی بعد در یک میتینگ انتخاباتی سوگند یاد کرد که انتخابات آزاد خواهد بود و ادعا کرد: "هر کس در انتخابات تخلف کند و لو اینکه برادرم باشد او را شقه می کنم" (مروارید، ۱۳۷۷: ۶۰۹-۶۱۱)

اگرچه شاه فرمان انتخابات آزاد را صادر کرده و نخست وزیر هم بر آن تاکید کرده بود، اما از همان ابتدای کار نشانه‌هایی از تخلف در حوزه انتخابیه سندیج نمایان گشت. نخستین چنین نشانه‌هایی در نامه بیستم تیر شیخ معروف حسامی و علی اکبر وزیری به شاه نمایان گشت. در این نامه خطاب به شاه آمده بود: "شاهنشاه... اقدام مفیدی از نماینده‌های فعلی کردستان دیده نشده [است].. "همراه با رونوشت این نامه که حضور رئیس مجلس شورای ملی ارائه شده آمده است:

و فقط همین جمله عرض می‌نمایم خود آن حضرت بیش از ملت کردستان به صفات حسنه و عزت نفس و شاه دوستی و میهن خواهی مرحوم سردار معظم آصف اطلاع دارند. چگونه رواست با بودن اولاد شایسته آن مرحوم مانند آقای رضا آصف، دیگری از قبیل دکتر هاشم وکیل که دیوانه صرف است و تمام فامیل فاسد و بیکاره و بیچاره و علیل خود را به بودجه مملکت تحمیل نموده است نماینده کردستان بشود؟ (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲)

اتهامات علیه دکتر هاشم وکیل در حالی صورت می‌گرفت که معتصم حسام الدین نقشبندی سه هفته بعد در نامه‌ای به تاریخ ۸ مرداد خطاب به منوچهر اقبال، نخست وزیر و رهبر حزب ملیون، اعلام کرد با توجه به خدمات دکتر هاشم وکیل به مردم کردستان و همچنین سابقه شاه‌دوستی وی، مردم کردستان و پیروان شیخ حسام الدین نقشبندی از انتخاب ایشان از سوی حزب ملیون به عنوان کاندیدای آن حزب جهت شرکت در انتخابات سندج خوشنودند. " (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲) به رغم حمایت معتصم نقشبندی از هاشم وکیل، مخالفت‌ها با او همچنان ادامه پیدا کرد؛ آنچنان که عزت الله شادی مقدم، از مدعیان مطرح انتخابات سندج، در نامه‌ای به تاریخ دوم مرداد به شاه، با تکیه بر این واقعیت که تا آن لحظه در کردستان حزب ملیون تاسیس نشده بود، انتخاب کاندید از سوی آن حزب در کردستان را غیرقانونی دانسته و اعلام کرد احزاب تهران ضمن بی‌توجهی به محرومیت مردم کردستان، برخلاف قانون آزادی انتخابات، کاندیدای تحمیلی حزبی برای کردستان تعیین کرده و با این کار موجب عدم رضایت مردم شاهدوست کردستان شده‌اند و در پایان نتیجه گرفت: "رفع شر کاندیدای تحمیلی مستدعیست". (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲) آنچنان که خواهد آمد به نظر می‌رسد شاه تحت تاثیر توصیه شیخ معروف حسامی و علی اکبر وزیری عمل کرد.

مورد بعدی که مایه نگرانی شادی مقدم شده بود، نگرانی از کیفیت و چگونگی تشکیل انجمن نظارت بر انتخابات سندج بود. در این رابطه وی در ۶ مرداد، در نامه‌ای به وزیر کشور تذکر داد با توجه به اینکه در این دوره بحث انتخابات آزاد مطرح است ضروریست انتخاب انجمن‌های نظارت بر انتخابات دیگر طبق اصول سابق صورت نگیرد. شادی مقدم اعضای انجمن را تا حد زیادی به دو خانواده آصف و اردلان مرتبط دانست و ضمن تقاضا برای انحلال آن، هشدار داد با وجود چنین انجمنی انتخابات آزاد از محالات خواهد بود و افزود که اگر قرار است انجمن از دو خانواده و برای خدمت به این دو خانواده تشکیل شود نباید اسمی از انتخابات آزاد برد، " (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲) اما اعتراضات وی بی‌نتیجه بود. بنابراین در اقدام بعدی، در ۱۷ مرداد، در نامه‌ای به ریاست انجمن انتخابات سندج برای رفع سوءظن حاصله و اطمینان یافتن از صحت و سقم عمل اعضای انجمن تقاضا کرد در صورت امکان کتباً به وی اجازه دهند که در وقت اخذ و قرائت آراء حضور داشته و از بدو تا خاتمه اخذ و قرائت آراء شها در پای صندوق‌ها بیتوته باشد. ظاهراً درخواست وی مورد مخالفت و یا بی‌اعتنایی انجمن واقع شد بطوریکه دو

روز بعد در نامه‌ای به کمیسیون شکایات مجلس ادعا کرد باتوجه به شرایط موجود، آزادی انتخابات مفهومی ندارد. (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲)

این مصادیق مایه نگرانی شادی مقدم شده بود و آنگونه که پیش‌بینی کرده بود سرانجام نام رضا آصف و عباسقلی اردلان بعنوان نامزدهای پیروز اعلام شدند. شادی مقدم معترض‌ترین نامزد انتخاباتی سندج شدیداً به مخالفت برخاست و در نامه‌ای به تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۳۹، به نخست وزیر با این عبارات نامتعارف نوشت که: "امیدوارم هرکس که مانع از رسیدن این نامه بدست جناب آقای نخست وزیر می‌شود از شفاعت شهدای کربلا نزد خدا محروم گردد" و در ادامه افزود: "... متأسفانه بعوض توجه به محرومیت و خواسته مردم این مرز حساس، عکس آن آقایان رضا آصف (فرعون کردستان) و عباسقلی اردلان... را بنام کاندیدای حزبی تعیین و با معرفی ایشان محرومیت دیگری بر محرومیت‌های موجود افزوده شد". (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲)

شادی مقدم در نامه‌اش به نحو اغراق آمیزی ادعا کرد آقای عباسقلی اردلان که حتی نمی‌تواند به زبان کردی صحبت کند و شناسایی محلی ندارد و برنده انتخابات اعلام شده محال است بیش از یکصد رای بیاورد. شادی مقدم با اشاره به روزنامه کیهان که در همان روز اول برگزاری انتخابات، رضا آصف و عباسقلی اردلان را نماینده معرفی کرده بود نتیجه گرفت:

هر فرد فهیمی بر این امر واقف است که انتخابات سفارشی و دستوری [ادوار] سابق به قوت خود باقی مانده است... و اجرای این امر از دو حال خارج نیست یا انتخابات آزاد الزامی نبوده و یا اینکه مسئولین امر از اجرای اوامر شاهنشاه سرپیچی کرده و نخواسته‌اند ساکنین کردستان بعد از چند سال به آرزوی دیرینه خود برسند. (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲)

در تائید ادعای شادی مقدم در رابطه با روزنامه کیهان باید گفت این روزنامه در ۲۶ مرداد، یعنی همان روز برگزاری انتخابات، اسامی آقایان آصف و اردلان را بعنوان کاندیدهای پیروز اعلام کرده بود، اما در عین حال باید یادآور شد که علاوه بر آنها، اسامی ۹۶ نفر دیگر از حزب ملیون و ۴۸ نفر از حزب مردم را هم اعلام کرده بود. (کیهان، شماره ۵۱۳۷: ۲) با این حال، این سوال همچنان مطرح است که چطور امکان دارد نتایج انتخابات در همان روز برگزاری انتخابات اعلام شود!

ارزیابی اعتراضات مردم به تخلفات انتخابات ... (سیروان خسروزاده) ۸۱

شادی مقدم با اشاره به اینکه در نتیجه اعتماد به وعده شاهنشاه مبنی بر انتخابات آزاد متحمل هفتاد الی هشتاد هزار ریال هزینه انتخابات شده است پیشنهاد کرد:

بهرتر است از طریق تجدید انتخابات هر دو را از صحنه مبارزه انتخابات دور سازید... در غیر اینصورت متمنی است که دستور فرمایند منبعده هر کار که خواستند انجام دهند بدون وعده وعید انجام شود تا... موجب ضرر... اشخاص وطن خواه و شاه دوست مثل بنده نگردد... (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲)

انتخابات مملو از تخلف تابستانی اگرچه به انجام رسید، اما نتایج آن زیاد پایدار نماند. حزب مردم و منفردین با توجه به موقعیت تعیین کننده منوچهر اقبال رهبر حزب ملیون که در راس کابینه دولت بود، به درستی وی و دولتش را متهم به سوءاستفاده از قدرت و تقلبات گسترده در انتخابات کردند. از آنجا که حزب ملیون ۱۱۰ کرسی از مجموع ۲۰۰ کرسی مجلس را بدست آورده بود، نارضایتی عمومی ادامه یافت تا اینکه شاه در ششم شهریور ۱۳۳۹ نارضایتی خود از نتایج انتخابات را اعلام کرد و سه روز بعد در پیامی مصلحت کشور را در استعفای دسته جمعی نمایندگان و انحلال مجلس دانست. بدین ترتیب مجلسی که در شرف تشکیل بود منحل شد. (مروارید، ۱۳۷۷: ۶۱۰ و ۶۱۴) اگرچه تقاضای شادی مقدم مبنی بر انحلال انتخابات و برگزاری انتخابات جدید عملی شد، اما آنگونه که مشاهده خواهد شد متضمن نتیجه‌ای بهتر نبود و انتخابات بعدی هم تکرار تخلف‌های صورت گرفته پیشین بود.

۲.۲ انتخابات زمستانی و اعتراضات مجدد مردمی

فرمان انتخابات معروف به زمستانی در ۱۴ دیماه ۱۳۳۹ صادر شد. (مروارید، ۱۳۷۷: ۶۱۴) در این دوره عزت الله شادی مقدم همچنان از ترکیب انجمن نظارت بر انتخابات ناراضی بود و این بار معتقد بود انجمن جدید متشکل از اعضای خانواده و بستگان عباسقلی اردلان و سالار سعید سنندجی می‌باشد. (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲) با اینحال انتخابات برگزار شد و آنگونه که شادی مقدم پیش بینی کرده بود عباسقلی اردلان و سالار سعید سنندجی به عنوان نمایندگان سنندج معرفی شدند.

شادی مقدم در ۱۲ بهمن در نامه‌ای خطاب به شاه که رونوشت‌هایی از آن را هم به کمیسیون شکایت مجلس شورای ملی، نخست وزیر، وزیر کشور، استاندار کردستان، و انجمن

غیرقانونی خانوادگی سنندجی و اردلانی‌ها در سنندج فرستاد، گزارشی مختصر از چگونگی آغاز و انجام انتخابات زمستانی مجلس بیستم ارائه داد که باز هم با این عبارت نامتعارف آغاز می‌شد: "امیدوارم بخداوند توانا هرکس مانع از رسیدن این نامه بنظر مبارک شاهنشاه می‌گردد به عزای عزیزش ماتم زده شده و از شفاعت رسول مختار و ائمه اطهار محروم گردد." در این نامه شادی مقدم بسیار زیرکانه شاه را به چالش می‌کشد و تلاش می‌کند با اشاره به شایعه رایج مبنی بر سفارش شاه برای انتصاب عباسقلی اردلان و سالار سعید سنندجی به نمایندگی سنندج، روشن سازد که اولاً اگر این شایعه خلاف واقع است، شاه برای اعاده حیثیت خود از این اتهام به واکنش پردازد و ثانیاً اگر این شایعه صحت دارد به وی بفهماند که همگان در جریان این دستور محرمانه او قرار گرفته‌اند و بهتر است با عدم حمایت از آن دو، از خود رفع اتهام نماید.

شادی مقدم با تظاهر به اینکه شخصاً اعتقادی به این شایعه ندارد در نامه‌اش به شاه نوشته بود: "به خاطر شایعه کذبی مبنی بر اینکه اعلیحضرت همایونی دستور داده بودند که باید آقایان عباسقلی اردلان و سالار سعید یا علیرضا سنندجی نماینده سنندج شوند اذهان عمومی مشوش و منکوب شد" او ضمن رد صلاحیت انجمن نظارت بر انتخابات اعلام کرد انجمن بایستی از ترکیب طبقات مختلف مردم سنندج تشکیل شود حال آنکه خانواده سنندجی و اردلانی‌ها به ریاست غلامحسین که ۲۳ سال است کردستان را ترک کرده و مقیم همدان است، اقدام به تشکیل انجمن کرده‌اند. درخصوص کاندیداهای پیروز ادعا کرد نامبرندگان برخلاف ردیف ۷ از ماده ۱۰ انتخابات با استفاده از پول اقدام به خرید رای متکدیان نمودند. شادی مقدم در ادامه می‌نویسد: "آیا در یک کشور شاهنشاهی مستقل و آزاد انجام چنین امری شرم‌آور نیست؟ و در ادامه افزود اعضای انجمن غیرقانونی خانوادگی سنندجی و اردلان برای تکمیل عمل افتضاح آمیز خود برای پر کردن صندوق بخش‌ها از وجود آقای محب‌الله اردلان کارمند قند و شکر و آقای امیر اردلان رئیس حسابداری غله کردستان و سایر افراد خاندان اردلانی و سنندجی استفاده نمودند تا به مردم آزادیخواه ثابت نمایند که انتخابات آزاد مفهومی ندارد" شادی مقدم با اطلاع به اینکه انجمن خانوادگی اردلان و سنندجی درصدد به کرسی رساندن دو نفر از سه نفر فوق‌الذکر (سالار سعید سنندجی، علی‌رضا سنندجی و عباسقلی اردلان) هستند اقدام به انتشار اطلاعیه ۲۶ دیماه ۱۳۳۹ در شماره ۴۴۶ روزنامه ندای غرب نمود که در بخشی از آن آمده بود چگونه اعضای این دو خانواده برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم، آنان را به تعقیب شدن از سوی ساواک تهدید می‌کردند و در چنین فضایی که نفس‌های مردم را در سینه‌ها حبس کرده بودند، به میل خود هر آنچه خواستند کردند. در اینجا شادی مقدم باز از ترس ساواک کوتاه

ارزیابی اعتراضات مردم به تخلفات انتخابات ... (سیروان خسروزاده) ۸۳

می‌آید و می‌نویسد: "در صورتیکه تصور نمی‌رود سازمان امنیت در این مورد مطلع باشد و خود را موظف به دخالت در آن بداند."

او در ادامه نامه مفصلش می‌نویسد با توجه به اینکه غیر از خانواده اردلانی‌ها و سندجی‌ها در حدود دویست هزار نفر دیگر از ساکنین کردستان حق حیات دارند لازم است در راستای رعایت مواد ۱۰، ۱۴، ۴۲، و ۴۴ قانون انتخابات و ترحم بحال ساکنین مظلوم این مرز حساس که بجز پاکی و راستی و درستی و صداقت انتظاری از مقام معظم کشور ندارند دستور داده شود اعتباری برای این "حق‌گشان قانون شکنان گرگ صفت میش نما" قائل نشده بی‌اعتباری اعتبارنامه غیرقانونی آنان را در لجن اعمالشان بریزند. (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲)

شادی مقدم در نامه دیگری به کمیسیون عرائض مجلس در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۳۹ از منفور بودن کاندیدهای پیروز اعلام شده نزد مردم سندج می‌گوید و اشاره می‌کند آنان بی‌پروا تخلفات را تا رسیدن رای‌شان به حد نصاب ادامه دادند و از آنجا که مردم را بوجود سازمان امنیت تهدید می‌کردند کسی جرات مخالفت نداشت. او در این نامه در رابطه با تجدید انتخابات و برگزاری انتخابات زمستانی می‌نویسد اگر خوب توجه شود معلوم خواهد شد که تجدید انتخابات در سندج بجز مغلطه‌کاری و سرگرمی مردم و ضرر به خزانه کشور چیز دیگری نبوده و آزادی انتخابات مفهومی نداشته است. قابل قبول نیست که در شهری چون سندج که غیر از سندجی‌ها و اردلانی‌ها دویست هزار نفر دیگر هم زندگی می‌کنند [مردم] اجازه تعیین سرنوشت خود را نداشته باشند و دیگران مثل گرگ و گراز بجان آنها بیفتند. شادی مقدم سپس در حمله‌ای به سالار سعید و عباسقلی اردلان که با اغراق و مبالغه‌گویی همراه است اینگونه به رد صلاحیت آنان می‌پردازد:

برای اثبات عرائض سوال می‌نمایم آیا از سالار سعید سندجی که با دستگاه تنفس مصنوعی ادامه زندگی می‌دهد و تنها خوبی او به کرد و کردستان این بوده که خانه شخصی خود را به چند برابر قیمت بر فرهنگ سندج تحمیل و فروخته است و همیشه به نمایندگی انگلیسی‌ها مباحثات می‌کند و عباسقلی اردلان که مدت ۴۵ سال است از سندج ترک علاقه نموده و اکنون شناسائی محلی ندارد و بجز بازنشستگی و خانه نشینی کاری از ایشان ساخته نیست چه خیزد که موجب شده برخلاف خواسته مردم نماینده تحمیلی گردند؟ مگر قرار است عده نمایندگان دوره بیستم مجلس شورای ملی همه فرتوت و بیکاره باشند؟ آیا قانون آزادی انتخابات چنین دستوری داده است یا عده معدودی می‌خواهند بدینوسیله همیشه در ایران بلوا و آشوب فراهم گردد؟ چنانچه اینطور نیست با توجه به مراتب فوق و

مواد ۱۰ و ۱۴ و ۴۱ و ۴۲ قانون انتخابات آزاد متمدنی است دستور فرمایند بخاطر ساکنین مظلوم این مرز حساس اعتباری برای این حق کشان و قانون شکنان قائل نشده و بی اعتباری اعتبارنامه غیرقانونی آنان را در لجن اعمالشان بریزند. (اسناد کتابخانه مجلس، انتخابات مجلس بیستم، کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۹۱: پوشه ۱ و ۲).

شکایات و اعتراضات شدید شادی مقدم از طرفی، و استدلال‌ها و مستندات که در گزارش‌هایش ارائه داده نشان‌دهنده این واقعیت است که انتخابات زمستانی هم روی هم رفته پر از تخلف بود و کسانی که جایگاهی در میان توده‌های مردم کردستان نداشتند در نتیجه دخالات مقامات و نهادهای دولتی به عنوان نمایندگان مردم سندج معرفی شدند. طبیعتاً خود شادی مقدم هم به خوبی می‌دانست اعتراضاتش بی‌فایده و بی‌نتیجه خواهند بود زیرا بی‌شک به روشنی اطلاع داشت که تخلف‌های انتخاباتی بدون آگاهی و اطلاع و تمایل شاه رخ نداده بودند.

بنابراین در انتخابات زمستانی از تخلفات انتخاباتی کاسته نشد و این انتخابات هم مانند انتخابات تابستانی آن سال مملو از تخلف بود. این وضع تنها در سندج حاکم نبود؛ برای نمونه در تهران محمد خرازی که با کسب ۴۸ هزار رای در میان ۱۵ نماینده تهران، نفر ششم شده بود از لیست برندگان انتخابات کنار گذاشته شد (کارتن ۱۲۸، جزوه دان ۵۳، پوشه ۱، سند ۳۷) و علی‌رغم اعتراضات زیاد، سرلشکر بازنشسته، فضل‌الله همایونی بجای وی انتخاب شد. (کارتن ۱۲۸، جزوه دان ۵۳، پوشه ۱، سند ۷۳) یا جمال‌اخوی در حالی نفر اول تهران اعلام شد که نام وی اصلاً در فهرست کاندیداهای انتخابی قرار نداشت و در نتیجه کسی از تهران به نام وی رای به صندوق نریخته بود. (کارتن ۱۲۸، جزوه دان ۵۳، پوشه ۱، اسناد شماره ۷۸ و ۷۹)

به رغم تخلفات گسترده در انتخابات مجلس بیستم، اگرچه این مجلس بالاخره در دوم اسفند ۱۳۳۹ افتتاح شد و در ۱۱ اسفند رسمیت یافت اما به دلیل اعتصاب آموزگاران کشور که به سقوط کابینه شریف امامی و روی کار آمدن دکتر علی‌امینی انجامید، شاه در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ناچار شد فرمان انحلال مجلسین شورای ملی و سنا را صادر کند. (مروارید، ۱۳۷۷: ۶۱۵) از این زمان تا برگزاری انتخابات مجلس بیست و یک، حکومت محمد رضا شاه به مدت دو سال و نیم فاقد مجلس بود.

۳. انتخابات مجلس بیست و یکم

به دنبال انحلال مجلس بیستم در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰، دوران فترت مجلس آغاز شد. (بصیرت منش، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۷) انتخابات مجلس بیست و یکم در شهریور ۱۳۴۲ برگزار شد و مجلس جدید پس از دو سال و سه ماه و بیست و پنج روز فطرت بالاخره در ۱۴ مهر ۱۳۴۲ آغاز به کار کرد. (مروارید، ۱۳۷۷: ۷۰۹) برخلاف مجلس بیستم که دو حزب مردم و ملیون اکثریت کرسی‌ها را در دست داشتند، در مجلس بیست و یکم اکثریت نمایندگان وابسته به حزب ایران نوین به رهبری حسنعلی منصور بودند. گروهی از نمایندگان مجلس که مخالف پیوستن به گروه منصور بودند فراکسیون مستقل را بنیاد نهادند. پس از آنکه اصرارهای منصور به الموتی، رهبر فراکسیون مستقل، برای پیوستن به وی بی‌نتیجه ماند، شاه برای پیشگیری از هرنوع اقدامات خلاف انتظار از سوی فراکسیون مستقل مجلس، درصدد تضعیف آن برآمد و آنگونه که خود الموتی می‌گوید از طریق اقبال به وی پیغام داده بود که او و دیگر روزنامه نگاران نباید وارد هیچ یک از دسته‌های پارلمانی شوند! این امر موجب تزلزل در فراکسیون مستقل شد بطوریکه شمار اعضای آن از ۶۰ به ۲۰ نفر کاهش پیدا کرد و بنابراین نتوانست در مجلس بیست و یکم نقشی محسوس ایفا کند. (الموتی، بی‌تا: ۷۳-۷۵) روایت الموتی نشان می‌دهد که شاه خواستار مجلسی یکدست بود و تمایلی به تکرر فراکسیون‌ها نداشت. بنابراین ترکیب مجلس و فراکسیون‌های آن برای شاه مهم بود.

۴. اعتراضات مردمی به انتخابات مجلس بیست و یکم

انتخابات مجلس بیست و یکم در سنج چه قبل از انجام و چه پس از آن، تقریباً تکرار انتخابات پیشین بود؛ اگر در انتخابات مجلس بیستم عزت الله شادی مقدم جنجالی‌ترین کاندید انتخابات بود، در انتخابات مجلس بیست و یکم ناصر یمین مردوخ‌چی این نقش را بر عهده داشت که مورد حمایت شدید روزنامه ندای غرب بود و این روزنامه تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی وی را پوشش می‌داد و در ادعایی کلی و تبلیغاتی او را نماینده دانشجویان، فرهنگیان، دانش‌آموزان، دهقانان، کارگران و کلیه روشنفکران کردستان می‌خواند. ندای غرب ابراز امیدواری می‌کرد در انتخابات مجلس بیست و یکم نمایندگان واقعی مردم روانه مجلس شوند و تا نفوذ هزار فامیل بکلی قلع و قمع گردد و معتقد بود تنها مجلسی بدون شرکت ماسک داران و متمکنین و طفیلی‌های وابسته به آنها خواهد توانست آرمان‌های شاه و ملت را تحقق بخشد و

اصلاح طلبان کردستان تلاش دارند برای تحقق این منظور یگانه فرزند صالح و خدمتگزار خود یعنی ناصر یمین مردوخی را به مجلس بفرستند. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱) در انتخابات مجلس بیست و یکم که در ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ برگزار شد، سید مهدی شیخ الاسلامی و مهندس هوشنگ کمانگر برنده انتخابات اعلام شدند و ناصر یمین مردوخی نفر سوم شد. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱) لازم به ذکر است هوشنگ کمانگر که روزنامه ندای غرب او را مالک‌زاده و حافظ حقوق طبقه خود اعلام کرده بود، خواهرزاده سالار سعید سنندجی بود (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱)

در انتخابات مجلس بیست و یکم نوعی رقابت به چشم می‌خورد. این رقابت بین کاندیدهای مورد حمایت حاکمیت و کاندیدهای مردمی بود. در این میان روزنامه ندای غرب نیز به نفع کاندید مردمی اظهاراتی تند و آتشین ابراز می‌داشت. مثلاً در یکی از شماره‌هایش نوشته بود:

ملت شرافتمند کردستان زیر بار ننگ و رسوایی نمی‌روند، ماسک‌داران، مورد نفرت اهالی اصلاح طلب و وطنخواه کردستان هستند و اگر قرار بر این است که مجدداً فئودال‌ها دست پروردگان و نوکران آنها بنام مردم کردستان در خانه ملت تصرف عدوانی کنند بدون شک نهضت دهقانی و کارگری در کردستان به ثمر نخواهد رسید. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱)

اما این تبلیغات آتشین و ادعاها تا حد قابل توجهی از واقعیت‌های اجتماعی آن روز دور بود. اگرچه شاه با این محاسبه که اصلاحات ارضی قدرت طبقه زمیندار را به نفع قدرت دولتی در روستاها از بین خواهد برد و روستائیان صاحب زمین را به رژیم وفادار خواهد کرد، این برنامه را به اجرا درآورده بود (فوران، ۱۳۹۰: ۴۷۳) اما واقعیت این بود زمین‌داران به رغم اجرای برنامه اصلاحات ارضی تا سال‌ها بعد میان دهقانان و کشاورزان نفوذ داشتند و بخشی از دهقانان بدون هیچ جبر و فشاری آرای خود را به نفع آنان به صندوق‌ها می‌ریختند. شاید هم یکی از دلایل این امر آنگونه که بشیریه اشاره کرده، اجرای تدریجی و نه یکباره برنامه اصلاحات ارضی بود؛ زیرا این برنامه در سه مرحله و در فاصله سال‌های ۴۱-۵۰ اجرا شد و بنابراین قدرت مالکان به یکباره محو نشد. همچنین، در نتیجه استثنائات قانون اصلاحات ارضی، بخشی از طبقه زمیندار همچنان باقی ماندند و از بین نرفتند. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۰۴) البته غیر از این دلیل، دلایل دیگری نیز مطرح شده است (فوران، ۱۳۹۰: ۴۷۴) بنابراین بخشی از دهقانان

حتی بدون هیچ فشار و جبری همچنان روال سابق، یعنی رای دادن به نفع مالکان و زمین داران را ادامه دادند.

انتخابات مجلس بیست و یکم نیز دقیقاً مانند انتخابات پیشین با تخلف و حق‌کشی و قانون شکنی همراه بود. آنگونه که از اسناد انتخابات این دوره استنباط می‌شود کاندیدهای مردمی سندج در این دوره ناصر یمین مردوخی و ملا محمد مفاخری بودند؛ حال آنکه مهندس هوشنگ کمانگر و سید مهدی شیخ الاسلامی پیروز انتخابات اعلام شدند. ماجرای روستاهای "نیاز"، "قروچائی" و "بلدستی" نمونه‌هایی از تخلفات رخ داده شده بود. آنچنان که از صورت جلسه نمایندگان انجمن روستای نیاز استنباط می‌شود نهادهای دولتی صریحاً اعلام کرده بودند طبق دستور شاه این دو نفر به هر ترتیب که شده بایستی در انتخابات پیروز شوند. طبق این صورت جلسه، چند روز قبل از انتخابات، در روز ۲۴ شهریور، فرماندار قروه به روستای نیاز آمده و دستور داده بود جدای از نام هوشنگ کمانگر و سید مهدی شیخ الاسلامی نام هیچ کس دیگری نباید به صندوق انداخته شود و تهدید کرده بود چنانچه کسی که از این امر سرپیچی کند تحت تعقیب قانونی قرار گرفته و شدیداً مجازات خواهد شد (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱، کارتن ۱۲۳، جزوه دان ۷۶، پوشه ۱)

در روز انتخابات مردم روستای نیاز که به قصد انداختن رای خود پای صندوق آراء رفته بودند با مداخلات مامورین ژاندارمری و فرمانداری مواجه شدند. این ماموران در حرکتی خلاف قانون، آراء رای دهندگان را بازدید کرده و زمانی که متوجه شدند مردم روستا در برگه‌های رای نام ناصر یمین مردوخی و محمد مفاخری را نوشته‌اند، مانع از ریختن آراء آنان به صندوق انتخابات شدند و با تهدید و فشار اعلام کردند که هوشنگ کمانگر و مهدی شیخ الاسلامی نمایندگان شاهنشاه هستند و باید به آنان رای بدهند. ساکنین روستا در جواب ماموران خاطر نشان ساخته بودند که شاه دستور آزادی انتخابات را صادر کرده و ما به هر کسی که بخواهیم رای می‌دهیم. با تمام این اوصاف مامورین از رای دادن آنها جلوگیری کرده بودند. مردم روستا به ناچار به روستای قروچائی رفتند اما در آنجا نیز نه تنها اجازه نیافتند آراء خود را به صندوق‌ها بیندازند بلکه مورد توهین و فحاشی قرار گرفتند بنابراین چاره‌ای جز بازگشت به خانه‌های خود نیافتند.

معترضان به وضعیت فوق در صورت جلسه‌ای که تنظیم کردند از دخالت عوامل دولتی شکوه کردند و خواستار تعقیب قانونی متجاوزین بحقوق مردم شده بودند. در همین نامه نمایندگان انجمن روستای بلدستی هم به همین ترتیب اقرار کردند که دو تن از مامورین اداره

معارف بنام‌های آقای مسرور و آقای محمدپور به مردم روستا هشدار داده بودند که بایستی آراء خود را صرفاً بنام مهندس کمانگر و مهدی شیخ الاسلامی به صندوق بریزند. اما برغم این تهدیدات، مهندس کمانگر تنها ۱۲ رای، شیخ الاسلامی تقریباً ۸۰ رای کسب کرده حال آنکه یمین مردوخی ۸۶۳ رای و ملا محمد مفاخری ۱۱۳۶ رای بدست آورده بودند. محمد پور وقتی مشاهده کرده بود که مردم علی‌رغم تهدیدهایش برخلاف خواست وی عمل کرده‌اند ۵۰۰ رای از آراء آقایان مفاخری و یمین مردوخی را پاره کرده بود و این چیزی بود که نمایندگان کشاورزان و پیشنماز روستا صحت آن را با سوگند به دین و ایمان و وجدانشان در صورت جلسه مورد تأیید قرار داده بودند. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه دان ۷۶ پوشه ۱) این شواهد به خوبی نشان دهنده دخالت آشکار و غیر قابل انکار عوامل دولتی بویژه فرماندار قروه در انتخابات است.

ناصر یمین مردوخی در واکنش به چنین تخلفاتی در ۲۶ شهریور در نامه‌ای به دادستان سنندج که به تأیید چندین شاهد رسیده بود، از وی نسبت به مداخلات آقای سان‌احمدی و موسی کمانگر که به زور و عنف برگه‌های رای مردم را دستکاری کرده بودند خواستار توضیح و اعلام مواضع شده بود. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱) اما شرح مفصل تخلف‌های صورت گرفته در انتخابات مجلس بیست و یکم سنندج را می‌توان در گزارش جامعی که یمین مردوخی به انجمن مجلسین ملی و سنا ارسال کرده بود مشاهده کرد که رونوشت‌هایی از آن را نیز برای دادستان سنندج و روزنامه ندای غرب فرستاده بود. شرح این تخلف‌ها بدین ترتیب است:

۱- اکثر انجمن‌های اصلی و فرعی چون مناطق اسفندآباد نیلاق و قراء (سیس، گردمیران بلبان آباد، گاو رود سورسو و غیره) از جانب مامورین ژاندارمری و اصلاحات ارضی مرعوب شده بودند.

۲- رئیس شهربانی سنندج و بعضی از مامورین شهربانی غیرمستقیم در انتخابات دخالت‌های غیرقانونی کرده‌اند.

۳- برغم تقاضای کتبی از استاندار و فرماندار مبنی بر اجازه دادن به نماینده بندهبرای حضورداشتن هنگام اخذ رای و قرائت آراء در حوزه‌ها طبق قانون، نه تنها با این تقاضا مخالفت شد بلکه مامورین اعزامی به حوزه‌ها نیز بی‌طرف نبوده و از دست نشانندگان خراسانی فرماندار معلوم الحال و نمایندگان قلابی بوده‌اند.

۴- خراسانی فرماندار شناخته شده سنندج به بهانه نبودن بودجه و درحقیقت به هدف تخلف بیشتر مانع از آن شد که انجمن اصلی نماینده به حوزه‌ها بفرستد که این عمل جرمی فاحش و قابل تعقیب قانونیست.

۵- طبق مدارک موجود فرماندار در کلیه حوزه‌ها و مامورین نامبرده ردیف یک در دهات مخصوصاً در حوزه‌های نیاز و قروچائی مانع شده آرائی که بنام ما بوده به صندوق انداخته شوند.

۶- فرماندار قروه به چه حقی صندوق‌های اسفندآباد و ثیلاق را به قروه و سپس به سنندج فرستاده است؟ این عمل نیز خلاف قانون و برای دستبرد به آراء اینجانبان بوده است.

۷- فرماندار قروه و شهردار سنندج و عده دیگری در شب ۲۵ شهریور با ماشین‌های دولتی و بلندگو در دهات راه افتاده و کشاورزان را غفلتاً از خواب پرانده و تهدید کرده‌اند چنانچه کسی به نماینده‌های مورد نظر شاهنشاه یعنی شیخ الاسلامی و کمانگر رای ندهد اسناد مالکیت را از او مسترد می‌داریم حال آنکه چنین گفته‌ای جعل است و شاهنشاه کاندیدائی معرفی نکرده است. (در این رابطه باید متذکر شد اگرچه با قاطعیت نمی‌توان گفت شاه از کاندید یا کاندیدهای مشخصی حمایت کرده بود اما طبیعتاً نسبت به افراد سرسپرده‌ای که امتحان خود را پس داده بودند نظر مساعدتری داشت تا افراد گمنامی که هیچ سابقه‌ای از شاه دوستی و خوش خدمتی به وی نداشتند)

۸- در قریه تلوار، فردی بنام عزیزپور که مزدور اصلاحات ارضی است با دستیاری ژاندارمری و اصغر سنندجی که مالک و از خویشان سببی هوشنگ کمانگر است قصد جمع-آوری رای از دهقانان را داشت ولی زارعین را به علت آنکه زیر بار نرفته بودند مورد ضرب و شتم قرار داده و در اقدامی غیرقانونی ۹ نفر از زارعین تلوار را به مدت چهار شبانه روز در قروه بازداشت و شکنجه کرده بودند که پرونده آنها در دادسرای سنندج می‌باشد.

۹- بموجب مدارک محکمی که در دست است و بخشی از آن ضمن اعلام جرم به دادسرا تسلیم شده و بخش دیگر تقدیم مقامات ذیصلاح مرکزی گردیده انتخابات کردستان در محیطی هراسناک و خفقان‌آور برگزار شده و دامنه اختناق تا آنجا بود که ملا محمد مفاخری، یکی از کاندیدهای ملی به زندان افکنده شد.

۱۰- باتوجه به دلایل بالا حق طلبان کردستان استاندار و فرماندار را متخلف به منویات ملوکانه و خواسته‌های مردم می‌دانند و آراء ساختگی نماینده‌های تحمیلی را از درجه اعتبار ساقط و مخدوش و باطل می‌دانند و کلیه مقامات دستور دهنده بایستی تحت تعقیب قرار

گیرند. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱) یمین مردوخی با استناد به مدارک و شواهد فوق به خوبی نشان داده است که انتخابات سندج تا چه میزان فرمایشی و ناسالم بوده است. مکاتبات اعتراضی به نتیجه انتخابات همچنان ادامه داشت. برای نمونه در نامه بی‌ثمری که خطاب به شاه نوشته شده و به امضای ده‌ها تن از سرشناسان سندج رسیده، آمده استکاندیدهایی که بنام مردم کردستان معرفی شده‌اند شدیداً مورد تنفر و انزجار قاطبه اصلاح طلبان و علاقمندان به لوایح ششگانه شاهنشاهی می‌باشند. نویسندگان نامه در پایان خاطر نشان ساخته‌اند که یگانه شخصی که به پیروی از منویات شاهنشاه پیرامون اصلاحات و بهبود وضع اجتماعی مردم و پیشرفت برنامه لوایح ششگانه خاصه اصلاحات ارضی فداکاری و جانبازی نموده آقای ناصر یمین مردوخی می‌باشند که نماینده واقعی و معتمد اهالی کردستان می‌باشند. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱)

اعتراضات یمین مردوخی و هوادارانش نه تنها فایده‌ای نداشت بلکه انجمن نظارت مرکزی انتخابات در سندج با بررسی سه فقره شکوائیه یمین مردوخی و مفاخری را به تخریف و اخاذی کارت از کشاورزان و جعل سمت و عنوان دروغین متهم کرد. در یکی از نامه‌ها حتی به یمین مردوخی تهمت فساد اخلاقی و غیره وارد آمده بود. بدین ترتیب انتخابات مجلس بیست و یکم هم فرمایشی شد و نامزدهای مورد نظر حاکمیت پیروز انتخابات شدند. در واقع شاه موفق شد مجلسی روی کار آورد که علاوه بر حمایت از برنامه‌هایش، فاقد شخصیت‌هایی مستقل باشد. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه ۱) با این اوصاف انتخابات مجلس بیست و یکم از یک جهت بسیار متفاوت از انتخابات ادوار گذشته بود و آن اینکه اکثریت کسانی که در این انتخابات پیروز شدند قبلاً در کنگره‌های آزاد زنان و آزاد مردان دستچین شده بودند و در جریان برگزاری انتخابات هم دولت اسدالله علم و مجموعه حاکمیت و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی (شهربانی و ساواک) سخت کوشیدند همان افراد دلخواه را که اقلیت کوچکی از آنان عضو حزب مردم بودند روی کار آورند. در این دوره بیشترین کرسی‌ها نصیب طیف جدیدی از طرفداران سیاست آمریکا در ایران شد که از مدت‌ها قبل در کانون مترقی جمع شده بودند و همان‌ها بودند که حزب جدید ایران نوین را تشکیل دادند. بدین ترتیب از آغاز دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی به بعد حزب ایران نوین همواره در جایگاه اکثریت مجلس قرار داشت. (شاهدی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

۵. انتخابات مجلس بیست و دوم و واکنش مردمی به آن

انتخابات مجلس بیست و دوم در ۱۳ مرداد ۱۳۴۶ در سنندج برگزار شد و پس از شمارش آراء سید مهدی شیخ الاسلامی با اکثریت و آقای محمد اصولی بعنوان نمایندگان سنندج انتخاب گردیدند. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات مجلس بیست و دوم شورای ملی، کارتن ۸۲، جزوه دان ۸۵ پوشه شماره ۱، سند ۲۱)

ناصر یمین مردوخی که در انتخابات مجلس بیست و یکم شرکت کرده و آنگونه که خود مدعی بود حقیقتاً پایمال شده بود در انتخابات مجلس بیست و دوم نیز شرکت کرد اما در همان بدو امر با بدبینی قدم در کارزار رقابت‌های انتخاباتی گذاشته بود. برای نمونه کمی قبل از آغاز انتخابات مجلس بیست و دوم ۵۰۰ تن از دهقانان کردستان در نامه‌ای به شاه نوشته بودند آقای ناصر یمین مردوخی در دوره بیست و یکم تقنینیه مجلس شورای ملی قریب ۴۵ هزار رای بدست آورده بود اما متأسفانه این میزان ۱۲ هزار رای اعلام شد. از آنجا که در آن دوره حق مسلم ایشان و مردم کردستان ضایع گردید به این جهت

از پیشگاه مبارک استدعا دارد دستور فرمایند که در دوره آینده طوری آزادی عمل داده شود که بتوانیم آقای ناصر یمین مردوخی یگانه خدمتگزار شاه و ملت و دلسوز و محبوب مردم کردستان را با آراء خود به مجلس بفرستیم... (مرکز اسناد مجلس، انتخابات مجلس بیست و دوم شورای ملی، کارتن ۸۲، جزوه دان ۸۵ پوشه شماره ۱، سند ۱۹)

بدون شک این نامه به توصیه یمین مردوخی نوشته شده بود اما آنگونه که مشاهده خواهد شد در انتخابات جدید باز هم حق او پایمال گردید. او که نفر چهارم انتخابات اعلام شده بود بعنوان معترض‌ترین نامزد انتخابات مجلس بیست و دوم در نامه‌ای به مجلس شورای ملی نوشت:

بنام وکیل اول و طبیعی اهالی کردستان نه بنام نفر سوم در انتخابات سنندج ... اعتراض خود را نسبت به نمایندگی آقایان شیخ الاسلامی و اصولی از سنندج به استحضار می‌رساند. اگر مردم کردستان می‌دانستند که مرجع بی‌طرفی برای رسیدگی به دادخواهی آنان وجود دارد و انتخاب نمایندگان از قبل صورت نمی‌گیرد و برگزاری انتخابات نمایشی فرمایشی نیست و از طریق شکایت و اعتراض و دادخواهی می‌توانند اعتبارنامه آقایان مهدی شیخ الاسلامی و محمد اصولی را باطل کنند یقیناً نه فقط سیل اعتراضات مردم کردستان روانه مجلس می‌شد، بلکه اکثریت قاطبه مردم شرافتمند کردستان اعم از دانشجو و دانش آموز و اصناف و دهقانان و کارگران برای جلوگیری از تصویب اعتبارنامه نامبردگان بالا در

مجلسین شورای ملی و سنا متحصن می شدند اما با توجه به بی اعتنائی هاییکه در دوره گذشته به اعتراضات و شکایات خود دیدند از پیگیری مطالبات حق خواهانه خود دچار یاس شده، و هرگونه اقدامی را عبث و بیهوده پنداشته و به این اصل معتقد شده اند:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته بجائی نرسد فریاد است

یمین مردوخی در ادامه نامه اش آنگونه که خود متذکر شده برای آنکه سکوت را علامت رضایت تلقی نکنند مطالبی خطاب به اعضای کمیسیون رسیدگی به اعتبارنامه وکیلان سنندج ارائه می دهد. او در این بخش از نامه اش از طرفی شواهدی دال بر محبوبیت عمومی خود ارائه می دهد و از دیگر طرف به تخلفات و اعمال خلاق قانون کاندیدهای پیروز اعلام شده اشاره می کند.

وی در بحث از محبوبیت خود میان مردم سنندج ابتدا به استقبال باشکوه آنان از او در ۸ مرداد ۱۳۴۶ در گردنه صلوات آباد اشاره می کند و سپس به حضور ۲۰ هزار نفر از آنان در میتینگ انتخاباتی اش در ۱۱ مرداد ماه در میدان اقبال سنندج و مخصوصاً به ۳۵ هزار رای که در کلیه مناطق کردستان بنام او به صندوق ها ریخته شده اشاره می کند. سپس به شانزده سال تلاش خود به منظور پیشرفت بهداشت و فرهنگ و کشاورزی کردستان و مبارزات مطبوعاتی و سخنرانی ها و مشاجراتش با فئودال ها و بچه فئودال های غاصب و نالایق کردستان در جهت پیشرفت اصلاحات ارضی اشاره می نماید و می افزاید که به شهادت مردم کردستان و سوابقی که در دستگاه های انتظامی مملکت و سایر مقامات ذیصلاح داشته، نه تنها طی این شانزده سال فداکاری صادقانه کرده بلکه در راه تحقق بخشیدن به اصلاحات ارضی در کردستان تا پای جان نیز پیش رفته است اما از آنجا که کسی را نداشته که خدماتش را در قالب و چهارچوب خاصی جلوه دهد همیشه مظلوم واقع شده و بحق حقه خویش نرسیده است:

من اگر هزار خدمت بکنم گناهکارم تو هزار خون ناحق بکنی و بیگناه

یمین مردوخی پس از بیان محبوبیت عمومی خود به کاندیدهای پیروز اعلام شده در انتخابات کردستان می تازد و جوانی از حرکات خلاف قانون آنان در انتخابات را آشکار می سازد و می نویسد در بیشتر مناطق کشاورز نشین مامورین اصلاحات ارضی و ژاندارمری و بویژه کارمندان صندوق های تعاون روستایی به سرپرستی شاهرخ خاکسار رئیس شرکت های تعاونی، کارتهای الکترونی را با تهدید و عنف از دهقانان گرفته و اسامی شیخ الاسلامی و اصولی را نوشته و به صندوق ها ریخته، و مانع از ریختن آراء بنام وی شده اند. یمین مردوخی هشدار

می‌دهد که اگر می‌خواهید شرافت خود را لکه‌دار نکنید و اعتباری بدست آورید بطور جدی روی این پیشنهاد فکر کنید که یک یا چند نفر باشرف و باوجدان و یا هیئتی را تعیین نمایید تا با هزینه‌ی وی به مناطق کشاورز نشین آمده تا پس از رسیدگی و تحقیقات لازم از اهالی شهر و زارعین کلیه‌ی نقاط متوجه حقایق شوید. وی در ادامه نامه‌اش یادآورد می‌شود که اهالی سنندج در راستای مقابله با کاندیداهای دولتی تا روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۴۶ که وی وارد سنندج شده، از چهل هزار نفر جمعیت شهر سنندج تنها ۵۰۰ نفر کارت الکترا ل گرفته بودند که این میزان تا روز اخذ رای به ۱۸۰۰ کارت رسید که آنهم مربوط به کارمندان و نیروهای دولتی بود و جالب آنکه از این ۱۸۰۰ رای اخذ شده هم حدود هزار رای بنام وی به صندوق‌ها ریخته شده بود. یمین مردوخ‌ی نتیجه می‌گیرد که مردم سنندج به علت یاس و بدبینی در انتخابات شرکت نکردند و کلیه کارت‌ها به صندوق‌های اخذ رای در روستاها برده شدند حال آنکه دهقانان از آن بی‌اطلاع بودند.

او ادعا می‌کند روی هم‌رفته ۳۵ هزار رای به نام وی به صندوق‌ها ریخته شده که در نهایت بی‌انصافی و دور از شرافت این میزان را تنها ۵ هزار رای اعلام کرده‌اند! از دیگر تخلف‌های آشکار اینکه صندوق‌های آراء توابع سنندج مخصوصاً منطقه قروه راهشت روز پس از اخذ آراء به سنندج آورده‌اند در حالیکه از قروه تا سنندج تنها دو ساعت راه است. طبیعتاً در این فاصله آراء صندوق‌ها را دستکاری کرده و آثار جرم را نیز از میان برداشته‌اند. برای نمونه هیچکدام از آراء داخل صندوق‌ها را در انجمن مرکزی قرائت نکردند و فقط به جمع ارقام صورت جلسات اکتفا نمودند.

یمین مردوخ‌ی در ادامه افزود در تمام مدت انتخابات دستگاه رادیو در اختیار آنها بود آقای ستوده که داماد شیخ الاسلامی است نوکرمان‌بانه فرمانبرداری می‌کرد و حتی نطق اینجانب را در میتینگ بیست هزار نفری پخش نکرد و بیش از پیش نفرت مردم کردستان را نسبت به اداره رادیو برانگیخت "راستی اهالی کردستان مظلوم واقع شده‌اند برای اینکه در این عصر انقلاب که می‌بایست کلیه فئودال‌ها و بچه فئودال‌های متجاوز بجرم تعدیات و یک عمر مفت‌خوری به مجازات برسند متأسفانه هنوز هم حکومت‌های هزار فامیل ادامه دارد" امثال معتمد وزیری‌ها به ناحق معاون وزارت اطلاعات و وکیل مجلس هستند. چون حق قانونی اینجانب و اهالی کردستان بوسیله شیخ الاسلامی فرماندار سنندج و اعضای انجمن انتخابات و سایر کسانی که برخلاف قانون و عدالت دخالت‌های ناروا کرده‌اند پایمال شد و برخلاف منویات شاهنشاه آریامهر عدالت‌خواه، دیگران را وکیل کردند!!] لذا در تاریخ ۱۶ مرداد ۴۶ با تسلیم مدارک و

اسناد مربوطه به دادسرای شهرستان سنندج اعلام جرم کرده و آقای مصطفوی بازپرس شعبه ۳ در تاریخ ۱۶ مرداد در استناداری حضور یافته و مدت دو ساعت از آقای شیخ الاسلامی فرماندار سنندج بازپرسی کرده و چند صندوق را که در دسترس بوده و آراء آن مخدوش بوده و سراپا جرم بوده لاک و مهر کرده است. قانوناً تا نتیجه دادرسی اعلام نشود نباید اعتبارنامه آقایان شیخ الاسلامی و محمد اصولی تأیید شود. (مرکز اسناد مجلس، انتخابات مجلس بیست و دوم شورای ملی، کارتن ۸۲ جزوه دان ۸۵ پوشه شماره ۱، اسناد شماره ۳-۸)

از عرائض یمین مردوخی یک نکته مهم استنباط می‌گردد و آن اینکه برغم برنامه اصلاحات ارضی و تلاش حکومت پهلوی برای محدود ساختن فئودال‌ها و فئودال‌زادگان، آنان در کردستان همچنان موقعیت خود را بویژه میان دهقانان حفظ کرده بودند. طبیعتاً یکی از دلایل این امر واقعیت بود که برنامه اصلاحات ارضی به تازگی آغاز شده بود و تا کنار آمدن دهقانان و اربابان با وضعیت جدید زمان باقی بود.

بهرحال انتخابات مجلس بیست و دوم نیز همچون ادوار قبل مملو از اقدامات غیرقانونی حاکمیت و عمال آن بود. نتیجه این انتخابات همان بود که از قبل پیش بینی می‌شد یعنی حزب ایران نوین با فرستادن یکصد و هشتاد نفر به مجلس شورای ملی سه چهارم کرسی‌های اکثریت را بدست آورد. شکست کاندیدهای حزب مردم شدیدتر از آن بود که پیش بینی شده بود. این حزب در تهران و مراکز استانها حتی یک کرسی بدست نیاورد و بیست و نه نفر نمایندگان منتخب همگی از شهرستان‌های کوچک انتخاب شدند. به نوشته مطبوعات این دوره در اکثر حوزه‌های انتخاباتی تکلیف انتخابات از قبل معلوم شده بود. در این دوره از انتخابات بساط خرید و فروش رای تا اندازه‌ای رونق داشت. (مروارید، ۱۳۷۷: ۷۸۵-۷۸۶)

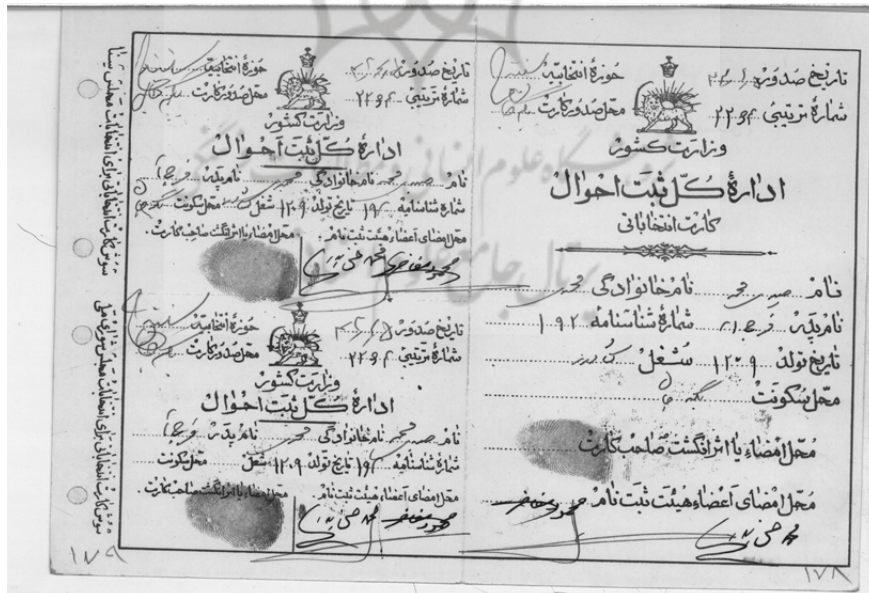
۶. نتیجه‌گیری

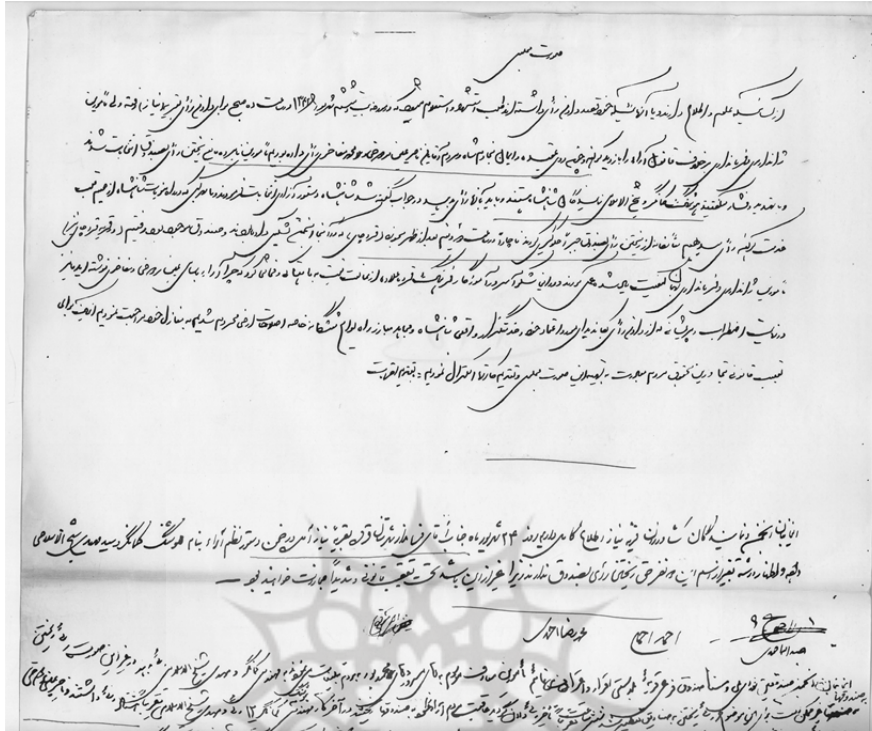
حکومت محمد رضاشاه پهلوی فاقد محبوبیت عمومی و ملی بود و در مواجهه با بحران‌هایی که سلطنت وی را مورد تهدید قرار می‌داد به ترفندهای مختلف روی می‌آورد. در ببحوحه انتخابات مجلس بیستم رقابت تنگاتنگی میان جمهوری خواهان و دمکرات‌ها در آمریکا حاکم بود جمهوری خواهان بخاطر حمایت از دیکتاتورهایی مثل شاه، از سوی دمکرات‌ها محکوم می‌شدند. در چنین شرایطی شاه برای حفظ تاج و تختش صلاح کار را در تظاهر به در پیش گرفتن رویه دمکراتیک دانست لذا بحث انتخابات آزاد را مطرح نمود که اساساً سنخیتی با شیوه

حکومتداری او نداشت. او سپس برای جلب نظر آمریکایی‌ها و همچنین کسب مشروعیت داخلی اقدام به تصویب لوایح ششگانه کرد.

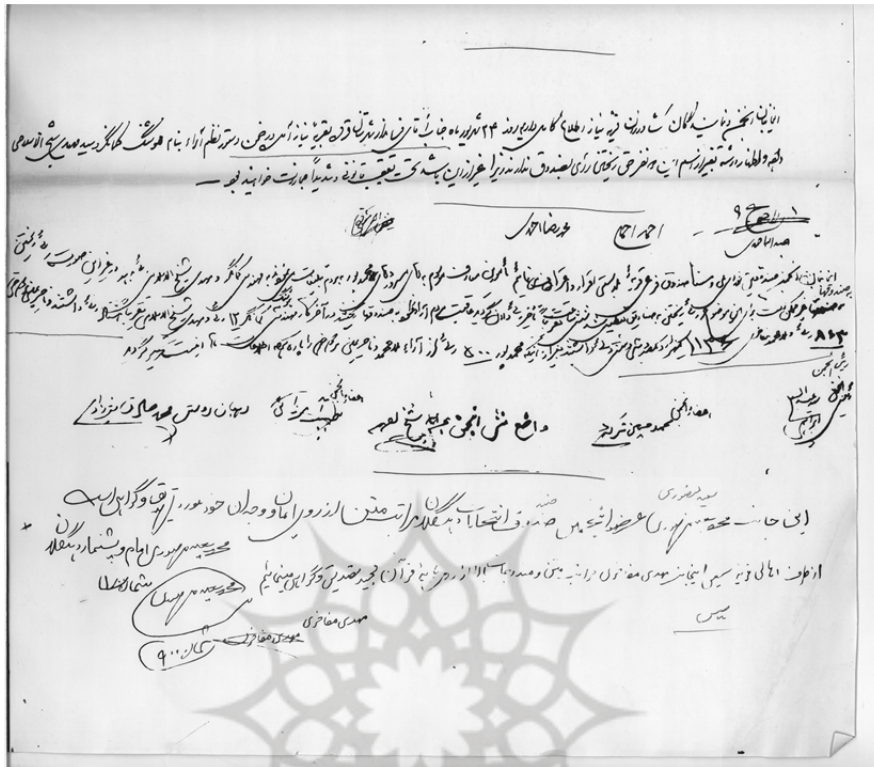
انتخابات مجلس بیستم سرآغاز دور جدیدی از پایمال ساختن حقوق مردم و کاندیده‌های مردمی بود. با توجه به عرائض کاندیده‌های معترض سندج در ادوار بیست تا بیست و دوم مجلس که جزئیات دقیق تخلفات انتخابی را مورد اشاره قرار داده‌اند می‌توان دریافت که عمال و مقامات دولتی به رغم وعده‌های شاه مبنی بر انتخابات آزاد، با انجام اقدامات غیر قانونی، اصول و استانداردهای انتخابات آزاد را زیر سوال برده و در نتیجه انتخابات مجالس بیست به بعد تقریباً تکرار همان رویه‌های حکومت در انتخابات‌های ادوار قبل بود. بر این اساس می‌توان گفت برخلاف ادعاهای شاه و نخست وزیرانش، انتخابات به سبک و سیاق سابق فرمایشی و مملو از تخلف بود و اساساً انتخابات آزاد سنخیتی با استبداد حاکم نداشت و نمی‌توانست داشته باشد. اظهارات و اعتراضات عزت الله شادی مقدم و ناصر یمین مردوخ‌ی گویای مداخلات نظام‌مند و آشکار مقامات محلی در انتخابات است و در واقع به دنبال بی‌نتیجه ماندن مکاتبات و پی‌گیری‌های اعتراضی این دو می‌توان نتیجه گرفت نهادهای مربوطه نیز با سکوت در برابر این تخلفات عملاً به نوعی مداخلات آنان را مورد تأیید قرار دادند.

پیوست‌ها





صورت جلسه نمایندگان کشاورزان روستای نیاز (۱)



صورت جلسه نمایندگان کشاورزان روستای نیاز (۲)

شیوه ارجاع به این مقاله

خسروزاده، سیروان. (۱۴۰۱). ارزیابی اعتراضات مردم به تخلفات انتخابات مجالس ۲۰-۲۲ شورای ملی (۱۳۳۹-۱۳۴۶) مطالعه موردی: کردستان. *تحقیقات تاریخ اجتماعی* ۱۲ (۲)
doi: 10.30465/shc.2023.41628.2372

کتابنامه

کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اسناد انتخابات دوره ۲۰، کارتن ۱۶۶، جزوه‌دان ۹۱، پوشها و

۲

کتابخانه و مرکز اسناد مجلس، اسناد انتخابات مجلس بیستم شورای ملی، دوره ۲۰، کارتن ۱۲۸، جزوه

دان ۵۳، پوشه ۱

ارزیابی اعتراضات مردم به تخلفات انتخابات ... (سیروان خسروزاده) ۹۹

کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اسناد انتخابات دوره ۲۱ کارتن ۱۲۳ جزوه‌دان ۷۶ پوشه
۱

کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اسناد انتخابات دوره ۲۲، کارتن ۸۲ جزوه دان ۸۵ پوشه
۱

روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۳۹، شماره ۵۱۳۷

الموتی، مصطفی (بی تا): *ایران در عصر پهلوی*، جلد دوازدهم، دولت‌های حزبی و حزب‌های دولتی، بی نا.

بشیریه، حسین (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران، نشر نی

بصیرت‌منش، حمید (۱۳۹۴) *مجلس بیست و یکم شورای ملی*، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

شاهدی، مظفر (۱۳۸۷) *سه حزب مردم، ملیون، ایران نوین ۱۳۳۶-۱۳۵۳*، تهران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

فوران، جان (۱۳۹۰) *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدماتی فرهنگی رسا

مروارید، یونس (۱۳۷۷) *از مشروطه تا جمهوری، نگاهی به ادوار مجالس قانونگذاری دوران مشروطیت*، جلد سوم تهران نشر واحدی

نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۷) *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران از کودتا تا انقلاب*، جلد اول، تهران، انتشارات فرهنگی رسا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی